

نگاه کارشناس

باید دور باطل خسوف را شکست

جورج سورس*

ترجمه : **تیره محمودی**



شکست اسرائیل در مقهور ساختن حزب الله یانگور نقاط ضعف بسیار مفهوم جنگ علیه مقاومت است. یکی از این نقاط ضعف این است که با وجود هدف قرار گرفتن حزب الله، قربانیان اغلب شهروندان هستند و رنج وپاشان در جهت تقویت آرمان حزب الله است. اسرائیل در واکنش به حملات حزب الله، توجیه می کند که تلاش دارد تا حزب الله را نابود کند و از خود در برابر تهدید موشک های که در مرز مسفر هستند، محافظت کند. اما اسرائیل باید توجه بیشتری را در جهت تقلیل خسارات جانبی معطوف می کرد. تلفات غیرنظامیان و زیان های مالی ای که به لبنان وارد آمد، موجب خشم مسلمانان و افکار عمومی جهان علیه اسرائیل شد و حزب الله را به قهرمان مقاومت تبدیل کرد. تضعیف لبنان همچنین باعث شده است که این کشور برای کنترل حزب الله با دشواری زیادی مواجه شود. یکی دیگر از نقاط ضعف مفهوم جنگ این است که بیشتر به اقدام نظامی تکیه دارد و رویکردی سیاسی را مردود می داند. اسرائیل به جای مذاکره برای دستیابی به توافق سیاسی با دولت لبنان و مقامات فلسطینی از لبنان و سپس فلسطین عقب نشینی کرد. تقویت توان حزب الله و حماس پیامد مستقیم چنین رویکردی بود. مفهوم جنگ علیه آنها در واقع در جهت تاکید بر این مفهوم است، زیرا «ما را از آن ها جدا می کند و این موضوع را که اقدامات ما رفتار آنها را شکل می دهد، منکر می شود. نقطه ضعف سوم این است که مفهوم جنگ جنبش های مختلف سیاسی را که از تاکتیک های نظامی بهره می برند، با یک چوب می راند. این مفهوم در متمایز ساختن حماس، حزب الله، القاعده و با قیام های سنی ها و لشکر مهدی در عراق ناکام است. با این وجود این جنبش ها با یکدیگر فرق دارند و مستحق واکنش های متفاوت هستند. حماس و حزب الله هیچ یک اهدافی صرف نیستند زیرا در جوامع خود ریشه دارند. با این وجود میان این دو نیز تمایزهای عمیقی وجود دارد. با نگاه به گذشته اسرائیل به سادگی می توان دریافت که سیاست این رژیم در کدام نقطه به خطا رفته است. هنگامی که محمود عباس به عنوان رئیس جمهور خودگردان فلسطینی انتخاب شد، اسرائیل باید از روش نشین خوددست برمی داشت و در جهت تقویت او و تیم اصلاح طلبش حرکت می کرد. زمانی که اسرائیل از غزه عقب نشینی کرد، جیمز وولفنسون، رئیس سابق بانک جهانی یک طرح شش ماده ای را از طرف اعضای چهارجانبه مذاکرات خاورمیانه (روسیه، آمریکا، اتحادیه اروپا و سازمان ملل) پیشنهاد داد. این طرح شامل بازگشایی گذرگاه های میان غزه و کرانه باختری، یک فرودگاه و بندرساحلی در غزه، بازگشایی مرز فلسطین با مصر و در اختیار قرار دادن خانه های متروکه شهرک نشینان اسرائیلی به عرب ها بود. هیچ یک از شش بند این طرح اجرا نشد. این موضوع از پیروزی انتخاباتی حماس ریشه گرفته بود. دولت بوش اسرائیل را به پشتیبانی از برگزاری انتخابات در فلسطین مجبور کرد، سپس از امتناع اسرائیل در مذاکره با دولت فلسطین حمایت کرد. نتیجه این بود که رنج بیشتری به فلسطینی ها تحمیل شود. با این وجود عباس توانست بر سر ایجاد یک دولت متحد با شاخه سیاسی حماس به توافق دست یابد. این در حالی بود که شاخه نظامی حماس وارد عمل شد تا این توافق عقیم بماند و دست به عملیاتی زد که واکنش شدید اسرائیل را در پی داشت – این واکنش موجب اقدام از سوی حزب الله و گشودن صیبه دوم شد. بدین ترتیب شانس دیگری در جهت پیشرفت سیاسی نابود شد. اسرائیل در این بازی شرکت داشت و جورج بوش نیز با حمایت همیشگی خود در این سیاست غلط سهیم بود. رویه دارها نشان داده است که این سیاست به افزایش خشونت ها منجر می شود. این روند تا حدی پیش رفته است که دیگر برتری خدشه ناپذیر اسرائیل برای غلبه کردن بر پیامدهای منفی چنین ساستی کافی نیست. موجودیت اسرائیل هم اکنون بیش از زمان توافق اسلو در خطر است. همان طور که آمریکا نیز نسبت به زمانی که جورج بوش علان جنگ کرد، ناامن تر شده است. زمان آن رسیده است که دریای سیاست های کنونی نتیجه معکوس دارند. هیچ پایانی برای دور باطل خشونت ها بدون توافق سیاسی بر سر بحران فلسطین وجود ندارد. اما این درست همان نقطه ای است که تمایز حماس از حزب الله را مشخص می کند. مردم فلسطین خواستار صلح و رفاهی از رنج هستند. شاخه سیاسی حماس – که از شاخه نظامی جدا است – باید به این امیال و آرزوها پاسخ دهد. هنوز اسرائیلی می تواند به عنوان اولین گام به سوی یک رویکرد متوازن تر به توافق با دولت متحد فلسطینی به رهبری محمود عباس دست یابد. طریی که در این میان متضرر می شود دولت آمریکا است که هنوز بر مفهوم جنگ اصرار می ورزد.

«رئیس موسسه جامعه آزاد و عضو سابق هیئت مدیره شورای روابط خارجی آمریکا. چندینین کتاب او عصر خطاکاری است که در انتقاد از جنگ علیه ترور نوشته شده است.

منبع: گاردین

عمده ترین بخش سیاست های آمریکا پس از یازده سپتامبر را انجام اصلاحات آموزشی در کشور های مسلمان تشکیل می دهد. این امر با هدف آرمودن دامنه نفوذ اندیشه های بنیادگرایانه و ایدئولوژی های افراطی در این کشورها انجام می گیرد. مهار افراط گرایی و تلاش برای پیشبرد «اسلام اعتدال گرا» در راستای اصلاحات آموزشی از جمله سیاست هایی هستند که جنبش های اسلامی را مورد هدف قرار می دهند.

بسیاری از موسسات ایالات متحده، از جمله موسسه صلح ایالات متحده (یواس آی پی)، تمایل بسیار شدیدی را به سرمایه گذاری و حمایت از اصلاحات مذهبی و آموزشی در کشورهای اسلامی نشان می دهند. در پاکستان نتیجه چنین رویکردی، سرمایه گذاری آمریکا، حمایت سیاسی، پشتیبانی از اصلاحات آموزشی و سیاست های دولتی معطوف به «اعتدال روشنگرانه» است. آژانس توسعه بین المللی (ای. آئی. دی) ایالات متحده و سایر هیات های وابسته به مبلغین مذهبی آمریکایی، به جذب روحانیون میانه رویی می پردازند که بر اجتهاد (تفسیر مجدد قرآن و سنت) و عقلانیت تاکید می کنند. جورج دبلیو بوش در ادامه سیاست واشینگتن با هدف تاکید بر اعتدال و موضع گیری شدید در برابر افراط گرایی می گوید: «افراط گرایان، ایده جهاد را تحریف می کنند»؛ وی همچنین اذعان می دارد که قرآن در نقطه مقابل ایدئولوژی تروریسم قرار دارد. به باور سیاست‌سنگزاران و اندیشمندان موسسه های پژوهشی تمامی آفت های تهدیدکننده «اسلام»- نظیر افراط گرایی، تروریسم و بنیادگرایی- برآمده از بازخوانی تحت اللفظی، تحریف شده قرآن، سیره نبوی و سایر منابع دینی و حقوقی اسلام است. طبق این باور ریشه اصلی همه مشکلات در متون مذهبی و صدالبته تفاسیر جهت دار آنها است.

■ بازسازی یا واکنش؟

تلاش ایالات متحده برای تعیین هویت اسلام اعتدال گرا و حمایت از آن- و نیز برانگیختن احیاءگرایی اسلامی- را می توان به بهترین شکل ممکن در گزارش اخیر موسسه صلح ایالات متحده مشاهده کرد که توسط عبدالسلام مقرویی و تحت عنوان «سیاست خارجی آمریکا و بازسازی اسلامی» ارائه شده است. وی از اولین جمله گزارش تا پایان آن، به طور حساب شده با در نظر گرفتن پروبلماتیک «جهان اسلام» جهان را به بخش های کوچکی از دولت ها و جوامع مذهبی تقسیم می کند و بر ضرورت عطف نظر و مداخله فوری در امور آن کشورها اصرار می ورزد. تحلیل های این گزارش بر اساس زبان مذهبی و نامفهوم کارشناسان حقوقی مسلمان صورت پذیرفته است. مباحث مطرح شده در گزارش موسسه صلح ایالات متحده و پیشنهاد های سیاسی آن، با استفاده از اصطلاحات قرآنی ادا شده است که مبنای اثبات مدعاهای آن مستندات مذهبی هستند.

نقایض این رویکرد آکادمیک متن- محور فی نفسه به واسطه نادیده انگاشتن بافت های سیاسی و اجتماعی موجود در جوامع چندقومیتی، چندزبانی و چندفرقه ای رفته رفته آشکارتر شد. به موجب این نقص بنیادین، توصیه موسسه صلح ایالات متحده پیش از آنکه مفید باشد، اثرات زیان آوری را به بار آورد چرا که به جای هم راستا کردن سیاست های ایالات متحده با چشم اندازی سکولار و جهانشمول، باعث هم طراز شدن این سیاست ها با افق های مذهبی شد.

اگرچه مطالعات انجام شده از سوی موسسه صلح ایالات متحده بر وجود تنوع در جهان اسلام صحه می گذارد، با این همه موجب محدود شدن دامنه این گوناگونی در سرحدات مذهبی و ایدئولوژیکی نظیر اسلام گرایی، سنت گرایی، بنیادگرایی، مدرنیسم، رادیکالیسم، اصلاح طلبی، اعتدال گرایی، تروریسم، افراط گرایی مذهبی و . . . می شود. مطابق گزارش موسسه صلح ایالات متحده، ریشه این گوناگونی ها در وجود منبع واحد کتاب آسمانی اسلام و تفاسیر متفاوت از آن است. بدین ترتیب این گزارش زبانی مذهبی



همچون اجتهاد (تفسیر مجدد متون اسلامی) را مفید دانسته و حتی از آن به عنوان ابزاری اساسی برای تجویز دستورالعمل های سیاسی یاد می کند. در واقع، این گزارش تمامی تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تاریخی را «به یک چالش ایدئولوژیک دوگانه برای رسیدن به روح اسلام» تقلیل می دهد. جایگاه مهمترین گروه از مفاهیم اسلامی که از این دستگاه حمایت می کنند، در حوالی حوزه مفهومی «اجتهاد» است.

این سردرگمی در برداشت صحیح از مفاهیم مذهبی نهایتاً نویسنده گزارش- و صدالبته دولت بوش- را به حمایت از اختلاط مذهب و دولت رهنمون می سازد. با توجه به تعدد فرهنگی، قومیتی و مذهبی در دولت های اسلامی، استقرار مذهب در مقام یک سیاست دولتی، خطرات پرشماری را متوجه این کشورها می کند. تعیین ارزش برای اسلام و رجحان یک مذهب بر مذاهب دیگر، موجب بروز بسیاری از اختلافات در جامعه می شود. انبوه طرفداران فرقه های سنی، زیر بار هیچ گونه اقتدار معنوی و سیاسی متمرکز نمی روند در نتیجه می توان دریافت که التزام کامل به فرامین و احکام مورد نظر موسسه صلح ایالات متحده تحت عنوان اجتهاد حتی در سطح آکادمیک هم بعید به نظر می رسد. علمای سنی قادر به یافتن پاسخی قانع کننده به مسئله صلاحیت (ملاک های واجد شرایط بودن) و مشروعیت (علل قبول اجتهاد مدعاهای آن طرف همه) نیستند.

پیشنهاد صرف نظر کردن از پیشبرد دموکراسی و تمرکز بر آموزش و سرمایه گذاری در قبال جنبش های اعتدال گرا، حاکی از آن است که مقوله سیاست در دولت های اسلامی به نحوی مستقل از سایر فرآیندهای اجتماعی است. طبق روایت این گزارش کلیه مسائل سیاسی در باب آزادی بیان، حق آموزش، حقوق زنان و جایگاه اقلیت های مذهبی، قابل انطباق و توجیه بر اساس سنت های گفتمان اسلامی است. این گفتمان جدید اسلامی- که در راستای آن اندیشمندان، فلاسفه، روحانیون و حقوقدانان مسلمان با مطالعه دقیق متون مقدس برای یافتن مفاهیم اعتدال و تطبیق آنها با مدرنیته تلاش می کنند- از تفاوت های قومی، فرقه ای، زبانی، اجتماعی- اقتصادی، فرهنگی و سیاسی غفلت می کند.

■ رهیافت آغازین

فرض اساسی در این رویکرد اصلاح گرانه- که از طریق تفسیر مجدد مفاهیم مذهبی مشخص می شود- این است که جنبش ها و سازمان های افراط گرا، قدرت خود را صرفاً به واسطه متون مذهبی به دست می آورند و در قبال بافت های منطقه ای، ملی و بین المللی نگاهی متحجرانه و تنگ نظرانه دارند. محمد وصیم در «منشأ رشد الگوهای سازمان های اسلامی در پاکستان» نشان می دهد که در مطالعه جنبش های اسلامی دو میحث عمده در مورد افراط گرایی وجود دارد که پس از حادثه

علوم سیاسی

تکرار اشتباه دوران جنگ سرد

نجوم مشتاق

ترجمه : **فرهاد قربان زاده**



یازده سپتامبر مطرح شده است: رهیافت آغازین (ازلی) و رهیافت ابزارگراییانه یا وضعیتی.

بر اساس رویکرد آغازین ذهنیات افراطی های مسلمان، به تسخیر آموزه های جهاد اسلامی درمی آیند که این خود جوهره تمامی مشکلات است. به گفته وصیم از سوی دیگر رویکرد ابزارگراییانه ایدئولوژی اسلام را در مقام سزای اجتماعی- سیاسی و تحت حمایت نخبگان می داند که نقطه عزیمت آن پیگیری اهداف سیاسی است. به اعتقاد وصیم: «در حالی که تاکید رویکرد آغازین به تحریک درونی و برانگیختن قدرت تمسک به ارزش ها و هنجارهای ناب اسلامی است، رویکرد وضعیتی بر سیاست های دولتی و اهداف سازمانی تکیه می کند. . . رویکرد وضعیتی، باعث رونق گرفتن میثت جنگ با ترور شده است.» گزارش موسسه صلح ایالات متحده و همچنین موضع گیری های سیاسی دولت بوش، نخستین مصداق رویکرد آغازین در قبال افراط گرایی اسلامی است. نقصان مفهومی تعیین یک هویت واحد انبوه طرفداران فرقه های سنی، زیر بار هیچ گونه اقتدار معنوی و سیاسی متمرکز نمی روند در نتیجه می توان دریافت که التزام کامل به فرامین و احکام مورد نظر موسسه صلح ایالات متحده تحت عنوان اجتهاد حتی در سطح آکادمیک هم بعید به نظر می رسد. علمای سنی قادر به یافتن پاسخی قانع کننده به مسئله صلاحیت (ملاک های واجد شرایط بودن) و مشروعیت (علل قبول اجتهاد یک عالم از طرف همه) نیستند.

پیشنهاد صرف نظر کردن از پیشبرد دموکراسی و تمرکز بر آموزش و سرمایه گذاری در قبال جنبش های اعتدال گرا، حاکی از آن است که مقوله سیاست در دولت های اسلامی به نحوی مستقل از سایر فرآیندهای اجتماعی است. طبق روایت این گزارش کلیه مسائل سیاسی در باب آزادی بیان، حق آموزش، حقوق زنان و جایگاه اقلیت های مذهبی، قابل انطباق و توجیه بر اساس سنت های گفتمان اسلامی است. این گفتمان جدید اسلامی- که در راستای آن اندیشمندان، فلاسفه، روحانیون و حقوقدانان مسلمان با مطالعه دقیق متون مقدس برای یافتن مفاهیم اعتدال و تطبیق آنها با مدرنیته تلاش می کنند- از تفاوت های قومی، فرقه ای، زبانی، اجتماعی- اقتصادی، فرهنگی و سیاسی غفلت می کند.

■ بازسازی یا پاکستان

بر اثر نفوذ موسسه صلح ایالات متحده و نیز فشار های ایالات متحده پس از یازده سپتامبر، دولت نظامی ژنرال پرویز مشرف در مسیر اسلام میانه رو قرار گرفت. دولت مشرف به انجام اصلاحات در دو سطح متعهد شد: مدرن سازی مدارس مذهبی و حوزه های علمیه فرقه مذهبی و نظارت بر آنها، و نیز اصلاحات آموزشی در سیستم مدارس دولتی. پاکستان در هر دو مورد از سرمایه گذاری ها و سیاست های حمایتی بسیاری از نهاده ها به ویژه آژانس توسعه بین المللی ایالات متحده بهره مند شد. از سوی دیگر در هر دو مورد، هزینه های سیاسی، تسلیم شدن به مذاکره با روحانیون مذهبی و دستورکار اسلام سازی از سوی دولت، موانع پرشماری را بر مسیر پیشرفت پاکستان وارد آورد. سیاست ایالات متحده برای حمایت از «بازسازی اسلامی» هم پیوندی سیاسی، مشروعیت بخشید.

جواد اشرف قاضی، وزیر آموزش و پرورش پاکستان، در ۲۴ جولای سال جاری، یک دوره آموزشی اجباری تحت عنوان مطالعات اسلامی با اسلامیت را وارد نظام آموزشی تمامی مدارس و دانشگاه های این کشور کرد. قاضی، ژنرال بازنشسته و فرمانده سابق نیروهای اطلاعاتی میان رسته ای (آی. اس. آی). معتقد بود که نمی بایست جهاد را از نظام آموزشی جدید حذف کرد چرا که جهاد، «بخش جدایی ناپذیری از آموزه های اسلامی و اعتقادات مسلمانان است.» اظهارات قاضی تا حد زیادی با طرح های موسسه صلح ایالات متحده جهت تفسیر و علانی سازی مفاهیم سنتی سازگاری دارد.

وجودی این دوره آموزشی، ارائه نسخه ای میانه رو و اصلاح طلبانه از اصول اسلامی، به لطف بازسازی و بیان مجدد مفاهیم راستین آموزه های دینی است. دانش آموزان ملزم به گذراندن مراحل زیر بودند: حفظ آیات قرآن، قرائت متن کامل قرآن، یادگیری مفاهیمی همچون نبوت و اعتقاد به وجود ملائکه، آشنایی با سیره نبوی- از جمله غزوات پیامبر- که نشان دهنده الگوی رهبری پیامبر و تساهل و تسامح وی می باشد. تلاش رژیم نظامی پاکستان، برای اصلاح دکترین های مذهبی در چارچوب دستورالعمل های سیاسی موسسه های پژوهشی مانند موسسه صلح ایالات متحده بودی. اصلاحات آموزشی در

پاکستان همچنین بر اساس ایده متجانسی از مذهب صورت پذیرفت. دولت پاکستان برای توجیه حاکمیت در مقام یک مذهب رسمی، با ترسیم تصویری ساختگی از تجانس مذهبی، موجب نابودی تدریجی هویت های قومی را فراهم آورد. گفته می شود که ۹۶ درصد از مردم پاکستان مسلمان هستند که ۱۵ تا ۲۰ درصد آنها را شیعیان و ۷۷ درصدشان را اهل سنت تشکیل می دهند. مسلمانان اهل سنت در پاکستان به ۴ بخش تقسیم می شوند.

ایالات متحده برای اجماعت اسلامی- متشکل از جنبش های اجتماعی سیاسی مدرن و تجدید نظرگرا، که یکی از بخش های چهارگانه اهل سنت در پاکستان را تشکیل می دهد- اهمیت ویژه ای قائل است چرا که این گروه بر محیط های دانشگاهی کشور، اعض از دانشگاه اسلامی اسلام آباد و نیز دانشگاه اسلامی مالزی تسلط دارد.

دانشگاه ها و محیط های اندیشه ورزی در نزد هواداران جماعت اسلامی از جایگاه شایان تقدیری برخوردار هستند. جماعت اسلامی به گونه ای سازمان دهی شده است که در تمامی مراحل از واحدهای مختلفی چون: معلمان، روزنامه نگاران، پزشکان، مهندسان، کارگران راه آهن، کارگران فرودگاه، کشاورزان، اتحادیه های تجاری، دانش آموزان و . . . بهره می برد.

از اولین انتخابات پاکستان در سال ۱۹۷۰ تا آخرین آنها در سال ۲۰۰۲ اکثریت قریب به اتفاق مردم غالباً به احزابی با گرایشات اسلامی کم رنگتر، احزاب سکولار، احزاب فرگیر و جنبش های قومیتی رای می دهند. آوازه افراط گرایان، به نه خاطر وجود دموکراسی، بلکه برعکس در سایه فقدان دموکراسی و نیز فشار وارد شده از سوی آنها برای کم اثر کردن دموکراسی است.

■ راه حل های دوران جنگ سرد

حمایت از اصلاحات آموزشی و فرقه های اسلامی، اشتباهی است که برای کارشناسان ایالات متحده تازگی ندارد. تاریخ اخیر مداخلات آمریکا در امور جوامع مسلمان نشان می دهد که سیاست‌سنگزاران ایالات متحده در قبال جنبش های اسلامی مدرن- به رنم گزارش های موسسه صلح ایالات متحده- به جای ایفای نقشی نظارتی، به حمایت های مستقیم سیاسی، مالی و نظامی می پردازد.

ایالات متحده در طول دوران جنگ سرد، در برابر تهدید سوسیالیسم و کمونیسم، تقویت جنبش های اسلامی مدرن را در دستور کار خود قرار داد. هم اکنون برای دولت بوش، افراط گرایی اسلامی، وضعیتی مشابه کمونیسم در سال های گذشته را دارد و بدین لحاظ ایالات متحده در برابر آن از راه حل مشابه جست وجو برای یافتن جنبش های اسلامی قابل اتعاف و سازش پذیر و سرمایه گذاری برای تقویت آنها استفاده می کند.

مصداق این مدعا، جنبش اسلامی افغان است که افراد آن به تحریک و رهبری دیکتاتور نظامی پاکستانی، ضیاء الحق و با پشتیبانی ایالات متحده علیه نیروهای شوروی جهاد کردند و در نهایت پیروز شدند. در اوایل دهه ۱۹۸۰ مرکز مطالعات افغانستان دانشگاه برنساکی با هزینه موسسه صلح ایالات متحده منتشر شد. کارشناسان آمریکایی متخصص در امور افغانستان، با همکاری دبیران ضدشوروی این متون را با هدف ترویج ارزش های جهاد و عملیات نظامی در میان افغان ها اشاعه دادند. دانشگاه برنساکی از سال ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۴ مبلغی بالغ بر ۵۱ میلیون دلار را جهت تشار این جزوات آموزشی از موسسه صلح ایالات متحده دریافت کرد. این کتاب ها غالباً در پاکستان منتشر می شدند. بیش از ۱۳ میلیون دلار در اردوگاه های پناهندگان افغانی و حوزه های علمیه پاکستان (مدارس مذهبی برای تعلیم طلاب مسلمان) توزیع شد. این جزوات در حال حاضر نیز در مدارس افغانستان تدریس می شوند. جنبش های اسلامی در فلسطین و مصر نیز در گذشته به همین صورت مهرون حمایت های بی دریغ واشینگتن در برابر ناسیونالیسم عربی سکولار و سوسیالیستی یاسر عرفات و جمال عبدالناصر بودند. پیامد طبیعی آغاز به کار «جنبش های بازسازی»، عملاً صرف نظر کردن از دموکراسی و نادیده گرفتن آن از سوی نهاد های نظیر موسسه صلح ایالات متحده، بوده است (اگر چه به لحاظ تئوریک، دموکراسی هنوز میان آنها از مطلوبیت ویژه ای برخوردار است). جنبش های اسلامی مدرن و حامیان آن به مانند دوران جنگ سرد این بار نیز باعث تضعیف دموکراسی شدند. چرا که روی کار آمدن جنبش های ضدآمریکایی- جنبش های سوسیالیستی در زمان گذشته و جنبش های بنیادگرایانه در زمان حال- از مجرای انتخابات آزاد و دموکراتیک تهدیدی جدی برای ایالات متحده محسوب می شد. استفاده ابزاری از پاکستان صدق نمی کند. پیروزی های اسلام گرایی را جنگ سرد، زیان های جبران ناپذیری را متوجه ایالات متحده خواهد کرد. امروز ایالات متحده اجتهاد را در برابر افراط گرایی تقویت می کند. ترس از به قدرت رسیدن بنیاد گرایان از مجرای انتخابات آزاد دست کم در مورد پاکستان صدق نمی کند. چرا که روی کار آمدن

جنبش های ضدآمریکایی- جنبش های سوسیالیستی در زمان گذشته و جنبش های بنیادگرایانه در زمان حال- از مجرای انتخابات آزاد و دموکراتیک تهدیدی جدی برای ایالات متحده محسوب می شد. استفاده ابزاری از پاکستان صدق نمی کند. پیروزی های اسلام گرایی را جنگ سرد، زیان های جبران ناپذیری را متوجه ایالات متحده خواهد کرد. امروز ایالات متحده اجتهاد را در برابر افراط گرایی تقویت می کند. ترس از به قدرت رسیدن بنیاد گرایان از مجرای انتخابات آزاد دست کم در مورد پاکستان صدق نمی کند. چرا که روی کار آمدن جنبش های ضدآمریکایی- جنبش های سوسیالیستی در زمان گذشته و جنبش های بنیادگرایانه در زمان حال- از مجرای انتخابات آزاد و دموکراتیک تهدیدی جدی برای ایالات متحده محسوب می شد. استفاده ابزاری از پاکستان صدق نمی کند. پیروزی های اسلام گرایی را جنگ سرد، زیان های جبران ناپذیری را متوجه ایالات متحده خواهد کرد. امروز ایالات متحده اجتهاد را در برابر افراط گرایی تقویت می کند. ترس از به قدرت رسیدن بنیاد گرایان از مجرای انتخابات آزاد دست کم در مورد پاکستان صدق نمی کند. چرا که روی کار آمدن جنبش های ضدآمریکایی- جنبش های سوسیالیستی در زمان گذشته و جنبش های بنیادگرایانه در زمان حال- از مجرای انتخابات آزاد و دموکراتیک تهدیدی جدی برای ایالات متحده محسوب می شد. استفاده ابزاری از پاکستان صدق نمی کند. پیروزی های اسلام گرایی را جنگ سرد، زیان های جبران ناپذیری را متوجه ایالات متحده خواهد کرد. امروز ایالات متحده اجتهاد را در برابر افراط گرایی تقویت می کند. ترس از به قدرت رسیدن بنیاد گرایان از مجرای انتخابات آزاد دست کم در مورد پاکستان صدق نمی کند. چرا که روی کار آمدن جنبش های ضدآمریکایی- جنبش های سوسیالیستی در زمان گذشته و جنبش های بنیادگرایانه در زمان حال- از مجرای انتخابات آزاد و دموکراتیک تهدیدی جدی برای ایالات متحده محسوب می شد. استفاده ابزاری از پاکستان صدق نمی کند. پیروزی های اسلام گرایی را جنگ سرد، زیان های جبران ناپذیری را متوجه ایالات متحده خواهد کرد. امروز ایالات متحده اجتهاد را در برابر افراط گرایی تقویت می کند. ترس از به قدرت رسیدن بنیاد گرایان از مجرای انتخابات آزاد دست کم در مورد پاکستان صدق نمی کند. چرا که روی کار آمدن جنبش های ضدآمریکایی- جنبش های سوسیالیستی در زمان گذشته و جنبش های بنیادگرایانه در زمان حال- از مجرای انتخابات آزاد و دموکراتیک تهدیدی جدی برای ایالات متحده محسوب می شد. استفاده ابزاری از پاکستان صدق نمی کند. پیروزی های اسلام گرایی را جنگ سرد، زیان های جبران ناپذیری را متوجه ایالات متحده خواهد کرد. امروز ایالات متحده اجتهاد را در برابر افراط گرایی تقویت می کند. ترس از به قدرت رسیدن بنیاد گرایان از مجرای انتخابات آزاد دست کم در مورد پاکستان صدق نمی کند. چرا که روی کار آمدن جنبش های ضدآمریکایی- جنبش های سوسیالیستی در زمان گذشته و جنبش های بنیادگرایانه در زمان حال- از مجرای انتخابات آزاد و دموکراتیک تهدیدی جدی برای ایالات متحده محسوب می شد. استفاده ابزاری از پاکستان صدق نمی کند. پیروزی های اسلام گرایی را جنگ سرد، زیان های جبران ناپذیری را متوجه ایالات متحده خواهد کرد. امروز ایالات متحده اجتهاد را در برابر افراط گرایی تقویت می کند. ترس از به قدرت رسیدن بنیاد گرایان از مجرای انتخابات آزاد دست کم در مورد پاکستان صدق نمی کند. چرا که روی کار آمدن جنبش های ضدآمریکایی- جنبش های سوسیالیستی در زمان گذشته و جنبش های بنیادگرایانه در زمان حال- از مجرای انتخابات آزاد و دموکراتیک تهدیدی جدی برای ایالات متحده محسوب می شد. استفاده ابزاری از پاکستان صدق نمی کند. پیروزی های اسلام گرایی را جنگ سرد، زیان های جبران ناپذیری را متوجه ایالات متحده خواهد کرد. امروز ایالات متحده اجتهاد را در برابر افراط گرایی تقویت می کند. ترس از به قدرت رسیدن بنیاد گرایان از مجرای انتخابات آزاد دست کم در مورد پاکستان صدق نمی کند. چرا که روی کار آمدن جنبش های ضدآمریکایی- جنبش های سوسیالیستی در زمان گذشته و جنبش های بنیادگرایانه در زمان حال- از مجرای انتخابات آزاد و دموکراتیک تهدیدی جدی برای ایالات متحده محسوب می شد. استفاده ابزاری از پاکستان صدق نمی کند. پیروزی های اسلام گرایی را جنگ سرد، زیان های جبران ناپذیری را متوجه ایالات متحده خواهد کرد. امروز ایالات متحده اجتهاد را در برابر افراط گرایی تقویت می کند. ترس از به قدرت رسیدن بنیاد گرایان از مجرای انتخابات آزاد دست کم در مورد پاکستان صدق نمی کند. چرا که روی کار آمدن جنبش های ضدآمریکایی- جنبش های سوسیالیستی در زمان گذشته و جنبش های بنیادگرایانه در زمان حال- از مجرای انتخابات آزاد و دموکراتیک تهدیدی جدی برای ایالات متحده محسوب می شد. استفاده ابزاری از پاکستان صدق نمی کند. پیروزی های اسلام گرایی را جنگ سرد، زیان های جبران ناپذیری را متوجه ایالات متحده خواهد کرد. امروز ایالات متحده اجتهاد را در برابر افراط گرایی تقویت می کند. ترس از به قدرت رسیدن بنیاد گرایان از مجرای انتخابات آزاد دست کم در مورد پاکستان صدق نمی کند. چرا که روی کار آمدن جنبش های ضدآمریکایی- جنبش های سوسیالیستی در زمان گذشته و جنبش های بنیادگرایانه در زمان حال- از مجرای انتخابات آزاد و دموکراتیک تهدیدی جدی برای ایالات متحده محسوب می شد. استفاده ابزاری از پاکستان صدق نمی کند. پیروزی های اسلام گرایی را جنگ سرد، زیان های جبران ناپذیری را متوجه ایالات متحده خواهد کرد. امروز ایالات متحده اجتهاد را در برابر افراط گرایی تقویت می کند. ترس از به قدرت رسیدن بنیاد گرایان از مجرای انتخابات آزاد دست کم در مورد پاکستان صدق نمی کند. چرا که روی کار آمدن جنبش های ضدآمریکایی- جنبش های سوسیالیستی در زمان گذشته و جنبش های بنیادگرایانه در زمان حال- از مجرای انتخابات آزاد و دموکراتیک تهدیدی جدی برای ایالات متحده محسوب می شد. استفاده ابزاری از پاکستان صدق نمی کند. پیروزی های اسلام گرایی را جنگ سرد، زیان های جبران ناپذیری را متوجه ایالات متحده خواهد کرد. امروز ایالات متحده اجتهاد را در برابر افراط گرایی تقویت می کند. ترس از به قدرت رسیدن بنیاد گرایان از مجرای انتخابات آزاد دست کم در مورد پاکستان صدق نمی کند. چرا که روی کار آمدن جنبش های ضدآمریکایی- جنبش های سوسیالیستی در زمان گذشته و جنبش های بنیادگرایانه در زمان حال- از مجرای انتخابات آزاد و دموکراتیک تهدیدی جدی برای ایالات متحده محسوب می شد. استفاده ابزاری از پاکستان صدق نمی کند. پیروزی های اسلام گرایی را جنگ سرد، زیان های جبران ناپذیری را متوجه ایالات متحده خواهد کرد. امروز ایالات متحده اجتهاد را در برابر افراط گرایی تقویت می کند. ترس از به قدرت رسیدن بنیاد گرایان از مجرای انتخابات آزاد دست کم در مورد پاکستان صدق نمی کند. چرا که روی کار آمدن جنبش های ضدآمریکایی- جنبش های سوسیالیستی در زمان گذشته و جنبش های بنیادگرایانه در زمان حال- از مجرای انتخابات آزاد و دموکراتیک تهدیدی جدی برای ایالات متحده محسوب می شد. استفاده ابزاری از پاکستان صدق نمی کند. پیروزی های اسلام گرایی را جنگ سرد، زیان های جبران ناپذیری را متوجه ایالات متحده خواهد کرد. امروز ایالات متحده اجتهاد را در برابر افراط گرایی تقویت می کند. ترس از به قدرت رسیدن بنیاد گرایان از مجرای انتخابات آزاد دست کم در مورد پاکستان صدق نمی کند. چرا که روی کار آمدن جنبش های ضدآمریکایی- جنبش های سوسیالیستی در زمان گذشته و جنبش های بنیادگرایانه در زمان حال- از مجرای انتخابات آزاد و دموکراتیک تهدیدی جدی برای ایالات متحده محسوب می شد. استفاده ابزاری از پاکستان صدق نمی کند. پیروزی های اسلام گرایی را جنگ سرد، زیان های جبران ناپذیری را متوجه ایالات متحده خواهد کرد. امروز ایالات متحده اجتهاد را در برابر افراط گرایی تقویت می کند. ترس از به قدرت رسیدن بنیاد گرایان از مجرای انتخابات آزاد دست کم در مورد پاکستان صدق نمی کند. چرا که روی کار آمدن جنبش های ضدآمریکایی- جنبش های سوسیالیستی در زمان گذشته و جنبش های بنیادگرایانه در زمان حال- از مجرای انتخابات آزاد و دموکراتیک تهدیدی جدی برای ایالات متحده محسوب می شد. استفاده ابزاری از پاکستان صدق نمی کند. پیروزی های اسلام گرایی را جنگ سرد، زیان های جبران ناپذیری را متوجه ایالات متحده خواهد کرد. امروز ایالات متحده اجتهاد را در برابر افراط گرایی تقویت می کند. ترس از به قدرت رسیدن بنیاد گرایان از مجرای انتخابات آزاد دست کم در مورد پاکستان صدق نمی کند. چرا که روی کار آمدن جنبش های ضدآمریکایی- جنبش های سوسیالیستی در زمان گذشته و جنبش های بنیادگرایانه در زمان حال- از مجرای انتخابات آزاد و دموکراتیک تهدیدی جدی برای ایالات متحده محسوب می شد. استفاده ابزاری از پاکستان صدق نمی کند. پیروزی های اسلام گرایی را جنگ سرد، زیان های جبران ناپذیری را متوجه ایالات متحده خواهد کرد. امروز ایالات متحده اجتهاد را در برابر افراط گرایی تقویت می کند. ترس از به قدرت رسیدن بنیاد گرایان از مجرای انتخابات آزاد دست کم در مورد پاکستان صدق نمی کند. چرا که روی کار آمدن جنبش های ضدآمریکایی- جنبش های سوسیالیستی در زمان گذشته و جنبش های بنیادگرایانه در زمان حال- از مجرای انتخابات آزاد و دموکراتیک تهدیدی جدی برای ایالات متحده محسوب می شد. استفاده ابزاری از پاکستان صدق نمی کند. پیروزی های اسلام گرایی را جنگ سرد، زیان های جبران ناپذیری را متوجه ایالات متحده خواهد کرد. امروز ایالات متحده اجتهاد را در برابر افراط گرایی تقویت می کند. ترس از به قدرت رسیدن بنیاد گرایان از مجرای انتخابات آزاد دست کم در مورد پاکستان صدق نمی کند. چرا که روی کار آمدن جنبش های ضدآمریکایی- جنبش های سوسیالیستی در زمان گذشته و جنبش های بنیادگرایانه در زمان حال- از مجرای انتخابات آزاد و دموکراتیک تهدیدی جدی برای ایالات متحده محسوب می شد. استفاده ابزاری از پاکستان صدق نمی کند. پیروزی های اسلام گرایی را جنگ سرد، زیان های جبران ناپذیری را متوجه ایالات متحده خواهد کرد. امروز ایالات متحده اجتهاد را در برابر افراط گرایی تقویت می کند. ترس از به قدرت رسیدن بنیاد گرایان از مجرای انتخابات آزاد دست کم در مورد پاکستان صدق نمی کند. چرا که روی کار آمدن جنبش های ضدآمریکایی- جنبش های سوسیالیستی در زمان گذشته و جنبش های بنیادگرایانه در زمان حال- از مجرای انتخابات آزاد و دموکراتیک تهدیدی جدی برای ایالات متحده محسوب می شد. استفاده ابزاری از پاکستان صدق نمی کند. پیروزی های اسلام گرایی را جنگ سرد، زیان های جبران ناپذیری را متوجه ایالات متحده خواهد کرد. امروز ایالات متحده اجتهاد را در برابر افراط گرایی تقویت می کند. ترس از به قدرت رسیدن بنیاد گرایان از مجرای انتخابات آزاد دست کم در مورد پاکستان صدق نمی کند. چرا که روی کار آمدن جنبش های ضدآمریکایی- جنبش های سوسیالیستی در زمان گذشته و جنبش های بنیادگرایانه در زمان حال- از مجرای انتخابات آزاد و دموکراتیک تهدیدی جدی برای ایالات متحده محسوب می شد. استفاده ابزاری از پاکستان صدق نمی کند. پیروزی های اسلام گرایی را جنگ سرد، زیان های جبران ناپذیری را متوجه ایالات متحده خواهد کرد. امروز ایالات متحده اجتهاد را در برابر افراط گرایی تقویت می کند. ترس از به قدرت رسیدن بنیاد گرایان از مجرای انتخابات آزاد دست کم در مورد پاکستان صدق نمی کند. چرا که روی کار آمدن جنبش های ضدآمریکایی- جنبش های سوسیالیستی در زمان گذشته و جنبش های بنیادگرایانه در زمان حال- از مجرای انتخابات آزاد و دموکراتیک تهدیدی جدی برای ایالات متحده محسوب می شد. استفاده ابزاری از پاکستان صدق نمی کند. پیروزی های اسلام گرایی را جنگ سرد، زیان های جبران ناپذیری را متوجه ایالات متحده خواهد کرد. امروز ایالات متحده اجتهاد را در برابر افراط گرایی تقویت می کند. ترس از به قدرت رسیدن بنیاد گرایان از مجرای انتخابات آزاد دست کم در مورد پاکستان صدق نمی کند. چرا که روی کار آمدن جنبش های ضدآمریکایی- جنبش های سوسیالیستی در زمان گذشته و جنبش های بنیادگرایانه در زمان حال- از مجرای انتخابات آزاد و دموکراتیک تهدیدی جدی برای ایالات متحده محسوب می شد. استفاده ابزاری از پاکستان صدق نمی کند. پیروزی های اسلام گرایی را جنگ سرد، زیان های جبران ناپذیری را متوجه ایالات متحده خواهد کرد. امروز ایالات متحده اجتهاد را در برابر افراط گرایی تقویت می کند. ترس از به قدرت رسیدن بنیاد گرایان از مجرای انتخابات آزاد دست کم در مورد پاکستان صدق نمی کند. چرا که روی کار آمدن جنبش های ضدآمریکایی- جنبش های سوسیالیستی در زمان گذشته و جنبش های بنیادگرایانه در زمان حال- از مجرای انتخابات آزاد و دموکراتیک تهدیدی جدی برای ایالات متحده محسوب می شد. استفاده ابزاری از پاکستان صدق نمی کند. پیروزی های اسلام گرایی را جنگ سرد، زیان های جبران ناپذیری را متوجه ایالات متحده خواهد کرد. امروز ایالات متحده اجتهاد را در برابر افراط گرایی تقویت می کند. ترس از به قدرت رسیدن بنیاد گرایان از مجرای انتخابات آزاد دست کم در مورد پاکستان صدق نمی کند. چرا که روی کار آمدن جنبش های ضدآمریکایی- جنبش های سوسیالیستی در زمان گذشته و جنبش های بنیادگرایانه در زمان حال- از مجرای انتخابات آزاد و دموکراتیک تهدیدی جدی برای ایالات متحده محسوب می شد. استفاده ابزاری از پاکستان صدق نمی کند. پیروزی های اسلام گرایی را جنگ سرد، زیان های جبران ناپذیری را متوجه ایالات متحده خواهد کرد. امروز ایالات متحده اجتهاد را در برابر افراط گرایی تقویت می کند. ترس از به قدرت رسیدن بنیاد گرایان از مجرای انتخابات آزاد دست کم در مورد پاکستان صدق نمی کند. چرا که روی کار آمدن جنبش های ضدآمریکایی- جنبش های سوسیالیستی در زمان گذشته و جنبش های بنیادگرایانه در زمان حال- از مجرای انتخابات آزاد و دموکراتیک تهدیدی جدی برای ایالات متحده محسوب می شد. استفاده ابزاری از پاکستان صدق نمی کند. پیروزی های اسلام گرایی را جنگ سرد، زیان های جبران ناپذیری را متوجه ایالات متحده خواهد کرد. امروز ایالات متحده اجتهاد را در برابر افراط گرایی تقویت می کند. ترس از به قدرت رسیدن بنیاد گرایان از مجرای انتخابات آزاد دست کم در مورد پاکستان صدق نمی کند. چرا که روی کار آمدن جنبش های ضدآمریکایی- جنبش های سوسیالیستی در زمان گذشته و جنبش های بنیادگرایانه در زمان حال- از مجرای انتخابات آزاد و دموکراتیک تهدیدی جدی برای ایالات متحده محسوب می شد. استفاده ابزاری از پاکستان صدق نمی کند. پیروزی های اسلام گرایی را جنگ سرد، زیان های جبران ناپذیری را متوجه ایالات متحده خواهد کرد. امروز ایالات متحده اجتهاد را در برابر افراط گرایی تقویت می کند. ترس از به قدرت رسیدن بنیاد گرایان از مجرای انتخابات آزاد دست کم در مورد پاکستان صدق نمی کند. چرا که روی کار آمدن جنبش های ضدآمریکایی- جنبش های سوسیالیستی در زمان گذشته و جنبش های بنیادگرایانه در زمان حال- از مجرای انتخابات آزاد و دموکراتیک تهدیدی جدی برای ایالات متحده محسوب می شد. استفاده ابزاری از پاکستان صدق نمی کند. پیروزی های اسلام گرایی را جنگ سرد، زیان های جبران ناپذیری را متوجه ایالات متحده خواهد کرد. امروز ایالات متحده اجتهاد را در برابر افراط گرایی تقویت می کند. ترس از به قدرت رسیدن بنیاد گرایان از مجرای انتخابات آزاد دست کم در مورد پاکستان صدق نمی کند. چرا که روی کار آمدن جنبش های ضدآمریکایی- جنبش های سوسیالیستی در زمان گذشته و جنبش های بنیادگرایانه در زمان حال- از مجرای انتخابات آزاد و دموکراتیک تهدیدی جدی برای ایالات متحده محسوب می شد. استفاده ابزاری از پاکستان صدق نمی کند. پیروزی های اسلام گرایی را جنگ سرد، زیان های جبران ناپذیری را متوجه ایالات متحده خواهد کرد. امروز ایالات متحده اجتهاد را در برابر افراط گرایی تقویت می کند. ترس از به قدرت رسیدن بنیاد گرایان از مجرای انتخابات آزاد دست کم در مورد پاکستان صدق نمی کند. چرا که روی کار آمدن جنبش های ضدآمریکایی- جنبش های سوسیالیستی در زمان گذشته و جنبش های بنیادگرایانه در زمان حال- از مجرای انتخابات آزاد و دموکراتیک تهدیدی جدی برای ایالات متحده محسوب می شد. استفاده ابزاری از پاکستان صدق نمی کند. پیروزی های اسلام گرایی را جنگ سرد، زیان های جبران ناپذیری را متوجه ایالات متحده خواهد کرد. امروز ایالات متحده اجتهاد را در برابر افراط گرایی تقویت می کند. ترس از به قدرت رسیدن بنیاد گرایان از مجرای انتخابات آزاد دست کم در مورد پاکستان صدق نمی کند. چرا که روی کار آمدن جنبش های ضدآمریکایی- جنبش های سوسیالیستی در زمان گذشته و جنبش های بنیادگرایانه در زمان حال- از مجرای انتخابات آزاد و دموکراتیک تهدیدی جدی برای ایالات متحده محسوب می شد. استفاده ابزاری از پاکستان صدق نمی کند. پیروزی های اسلام گرایی را جنگ سرد، زیان های جبران ناپذیری را متوجه ایالات متحده خواهد کرد. امروز ایالات متحده اجتهاد را در برابر افراط گرایی تقویت می کند. ترس از به قدرت رسیدن بنیاد گرایان از مجرای انتخابات آزاد دست کم در مورد پاکستان صدق نمی کند. چرا که روی کار آمدن جنبش های ضدآمریکایی- جنبش های سوسیالیستی در زمان گذشته و جنبش های بنیادگرایانه در زمان حال- از مجرای انتخابات آزاد و دموکراتیک تهدیدی جدی برای ایالات متحده محسوب می شد. استفاده ابزاری از پاکستان صدق نمی کند. پیروزی های اسلام گرایی را جنگ سرد، زیان های جبران ناپذیری را متوجه ایالات متحده خواهد کرد. امروز ایالات متحده اجتهاد را در برابر افراط گرایی تقویت می کند. ترس از به قدرت رسیدن بنیاد گرایان از مجرای انتخابات آزاد دست کم در مورد پاکستان صدق نمی کند. چرا که روی کار آمدن جنبش های ضدآمریکایی- جنبش های سوسیالیستی در زمان گذشته و جنبش های بنیادگرایانه در زمان حال- از مجرای انتخابات آزاد و دموکراتیک تهدیدی جدی برای ایالات متحده محسوب می شد. استفاده ابزاری از پاکستان صدق نمی کند. پیروزی های اسلام گرایی را جنگ سرد، زیان های جبران ناپذیری را متوجه ایالات متحده خواهد کرد. امروز ایالات متحده اجتهاد را در برابر افراط گرایی تقویت می کند. ترس از به قدرت رسیدن بنیاد گرایان از مجرای انتخابات آزاد دست کم در مورد پاکستان صدق نمی کند. چرا که روی کار آمدن جنبش های ضدآمریکایی- جنبش های سوسیالیستی در زمان گذشته و جنبش های بنیادگرایانه در زمان حال- از مجرای انتخابات آزاد و دموکراتیک تهدیدی جدی برای ایالات متحده محسوب می شد. استفاده ابزاری از پاکستان صدق نمی کند. پیروزی های اسلام گرایی را جنگ سرد، زیان های جبران ناپذیری را متوجه ایالات متحده خواهد کرد. امروز ایالات متحده اجتهاد را در برابر افراط گرایی تقویت می کند. ترس از به قدرت رسیدن بنیاد گرایان از مجرای انتخابات آزاد دست کم در مورد پاکستان صدق نمی کند. چرا که روی کار آمدن جنبش های ضدآمریکایی- جنبش های سوسیالیستی در زمان گذشته و جنبش های بنیادگرایانه در زمان حال- از مجرای انتخابات آزاد و دموکراتیک تهدیدی جدی برای ایالات متحده محسوب می شد. استفاده ابزاری از پاکستان صدق نمی کند. پیروزی های اسلام گرایی را جنگ سرد، زیان های جبران ناپذیری را متوجه ایالات متحده خواهد کرد. امروز ایالات متحده اجتهاد را در برابر افراط گرایی تقویت می کند. ترس از به قدرت رسیدن بنیاد گرایان از مجرای انتخابات آزاد دست کم در مورد پاکستان صدق نمی کند. چرا که روی کار آمدن جنبش های ضدآمریکایی- جنبش های سوسیالیستی در زمان گذشته و جنبش های بنیادگرایانه در زمان حال- از مجرای انتخابات آزاد و دموکراتیک تهدیدی جدی برای ایالات متحده محسوب می شد. استفاده ابزاری از پاکستان صدق نمی کند. پیروزی های اسلام گرایی را جنگ سرد، زیان های جبران ناپذیری را متوجه ایالات متحده خواهد کرد. امروز ایالات متحده اجتهاد را در برابر افراط گرایی تقویت می کند. ترس از به قدرت رسیدن بنیاد گرایان از مجرای انتخابات آزاد دست کم در مورد پاکستان صدق نمی کند. چرا که روی کار آمدن جنبش های ضدآمریکایی- جنبش های سوسیالیستی در زمان گذشته و جنبش های بنیادگرایانه در زمان حال- از مجرای انتخابات آزاد و دموکراتیک تهدیدی جدی برای ایالات متحده محسوب می شد. استفاده ابزاری از پاکستان صدق